

نشریه دارالثقلین

سال اول - شماره اول

مذهبی ، اجتماعی ، سیاسی ، علمی



مصاحبه با مؤسس دارالثقلین



تحولی قرآنی در شهر دلد



همه چی در مورد موسیقی
در هسته ی فرهنگی جوانان



عوامل بیماری و سلامت



معجزات علمی قرآن ، روند قوی و ضعیف شدن بدن ، راه احساس درد نکردن

شما یاد می گیرید چگونه خمس مال خود را حساب کنید

فضیلت ها و روش های حفظ و مرور قرآن کریم

هیأت سادات دلد

حرف دل

صورت حساب عشق

شبی پسر کوچکی یک برگ کاغذ به مادرش داد. او با خط بچگانه نوشته بود:
صورتحساب:

کوتاه کردن چمن باغچه ۵ دلار
مرتب کردن اتاق خوابم ۱ دلار
مراقبت از برادر کوچکم ۳ دلار
بیرون بردن سطل زباله ۲ دلار
نمره ریاضی خوبی که امروز گرفتم ۶ دلار
جمع بدهی شما به من: ۱۷ دلار

مادر که به چشمان منتظر پسر نگاهی کرد، چند لحظه خاطراتش را مرور کرد سپس قلم را برداشت و پشت برگه صورتحساب او این عبارات را نوشت:

بابت سختی ۹ ماه بارداری که در وجودم رشد کردی، هیچ
بابت شب هایی که بر بالینت نشستم و برایت دعا کردم، هیچ
بابت تمام زحماتی که در این چند سال کشیدم تا تو بزرگ شوی، هیچ
بابت غذا، نظافت تو و اسباب بازیهایت، هیچ
و اگر تمام اینها را جمع بزنی خواهی دید که هزینه عشق واقعی من به تو هم
هیچ است.

وقتی پسر آنچه را که مادرش نوشته بود خواند، چشمانش پر از اشک شد و در حالی که به چشمان مادرش نگاه می کرد، گفت: مامان دوستت دارم. آنگاه قلم را برداشت و زیر صورتحساب نوشت: قبلا به طور کامل پرداخت شده!



نشریه دارالثقلین .

دلند

مدیر مسئول : محمد علی عابدی

سردبیر : یاسر چوری

تایپ و صفحه آرایی : محمد علی عابدی

طراحی جلد : ابوالفضل چوری

همکاران:

آقایان :

. یاسر چوری

. ابوالفضل چوری

. حمید سمیعی

. حسین رستمی

. سید محمد رضا حسینی

. و نویسندگان نشریه

فهرست

۱

فضیلت ها و روشهای
حفظ قرآن

۲

مصاحبه با مؤسس دارالثقلین

۵

روش محاسبه ی خمس

۹

معجزات علمی قرآن

۱۳

هیأت سادات دلند

۱۸

مقاله ی عبرت های عاشورا

۱۹

عوامل بیماری و سلامت

۲۱

شعر

۲۲

هسته فرهنگی جوان و
بحث موسیقی

۲۳

گزارش کلاس های قرآن

۲۷

فضیلت ها ، فوائد و روش های حفظ و مرور قرآن کریم

آیه ی ۱ سوره ی ابراهیم : « کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور بإذن ربهم الی صراط العزیز الحمید

امروزه انسانها در تاریکی و ظلمت به سر می برند ، قرآن کریم کتابی هست که انسانها را از تاریکی به سمت نور و روشنایی هدایت می کند ، اگر کسی در روشنایی و نور قرار گرفت دیگر در چاه و چاله نمی افتد و به خوبی جلوی خودش را می بیند ، دیگران نمی توانند به او گزند و آسیب برسانند ، پس بیاییم به قرآن پناه ببریم بیاییم قرآن را در زندگیهایمان بیاوریم . بیاییم با خدا و کلام خدا بیشتر مانوس بشیم در آیات قرآن فکر کنیم و اهل عمل به قرآن بشیم

هر روز قرآن بخوانیم ، برنامه بریزیم ، قرآن خواندن را یاد بگیریم ، حافظ قرآن بشیم تا به این بهانه هر روز قرآن بخوانیم

فضیلت های حفظ قرآن :

پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و ائمه ی اطهار علیهم السلام ، اصحاب و یاران خودشان را به صورت های مختلف ، به حفظ قرآن توصیه فرموده اند. تشویق آنها به حفظ قرآن نشانه ی اهمیت حفظ قرآن در نظر آنهاست پیامبر اسلام (ص) به یاران و اصحاب خودش توصیه فرمودند که : « قرآن بخوانید و آن را بخاطر بسپارید ، چرا که خداوند قلبی را که قرآن را در خود جای داده است عذاب نمی کند این مساله تا آنجا مورد عنایت و توجه حضرت بود که درباره ی افرادی که از قرآن بی بهره اند فرمود : کسیکه در درونش چیزی از قرآن نیست دلش همانند خانه ی ویران است

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «إِذَا مَاتَ حَامِلُ الْقُرْآنِ أَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ الْأَرْضُ أَنْ لَا تَأْكُلِي لَحْمَهُ. قَالَتْ: إِلَهِي كَيْفَ أَكَلُ لَحْمَهُ وَكَلَامُكَ فِي جَوْفِهِ.» هنگامی که حافظ قرآن از دنیا می رود خدای تبارک و تعالی به زمین وحی می کند که «گوشت بدن او را نخور.» زمین می گوید: «پروردگارا، چگونه گوشت او را بخورم در حالی که کلام تو (قرآن) در قلب اوست.»

در حدیث دیگری پیغمبر اکرم صل الله علیه و آله فرمودند :

درجات بهشت به تعداد آیات قرآن است . چون صاحب قرآن وارد بهشت شود ، به او گفته می شود که بخوان و بالا برو که هر آیه ای را درجه ای است . پس در آن روز برتر از درجه ی حافظ قرآن درجه ای نیست

یکی از فوائد حفظ قرآن : مقدمه ی تدبر و تامل در قرآن هست

یکی از سفارشاتى که در دین ما هست و بسیاری از بزرگان هم روی آن تاکید دارند ، تامل و تفکر در معانی و آیات قرآن هست

حفظ قرآن سبب می شود که حافظ قرآن ، برای فراموش نشدن آیات از ذهنش ، هر روز مقدار قابل توجهی از آیات قرآن را بخواند و مرور کند . همین خواندن هر روز آیات قرآن سبب می شود که مفاهیم و معارف زیادی از آیات قرآن ، هر روز از جلوی ذهنش عبور کند و در نتیجه سبب شود که فکر و ذهن او به بعضی از این آیات و مفاهیم مشغول شود ، لذا بستر و شرائط برای یک حافظ قرآن ، بسیار زیاد فراهم هست تا دقایقی را تأمل کند و در محتوا و معنای آیات قرآن فکر کند . (ما می گوئیم زمینه ی تفکر و تامل و یا عمل به آیات قرآن برای چنین شخصی که حافظ قرآن هست بیشتر فراهم هست، حالا اگر خود این شخص نخواهد یا غافل باشد ، مشکل از خود اوست نه حفظ قرآن)



شما جوانان و نوجوانانی که قرآن را فرا می گیرید ، این را بدانید که یک ذخیره ی مادام العمر برای اندیشیدن و فکر کردن را برای خودتان فراهم می کنید این چیز بسیار با ارزشی است .
حافظ قرآن آنچه را که در هر بخشی از معارف اسلامی به آن نیاز دارد از قرآن استنباط و استخراج می کند و رواری آن فکر و تامل می کند و از آن استفاده می برد حضور قرآن در ذهن انسان نعمت بسیار بزرگ است

روش های حفظ و مرور قرآن کریم

- بهترین روش برای حفظ کردن ، روش دیداری هست یعنی شما به تعداد صفحات قرآن در ذهن خود عکس می گیرید . روش شنیداری چون متکی به لحن و آهنگ هست و احتمال فراموش شدن زیاد هست توصیه نمی شود همچنین روش اشاره ای که محدود به حرکات خاصی هست و بیشتر برای نونهالانی هست که هنوز خواندن و نوشتن یاد ندارند . چون روش حفظ دیداری هست باید به چند نکته دقت کرد ؛
- اول اینکه قبل از حفظ باید ، محدوده ای که می خواهیم حفظ کنیم را از جهت روخوانی یاد بگیریم که اشتباه حفظ نکنیم و گرنه در آینده به سختی باید آیاتی که غلط حفظ کردیم را درست کنیم
- دوم اینکه باید در انتخاب نوع قرآن دقت کنیم
- هر کسی باید یک قرآن با ویژگیهای ایده آل انتخاب کند و برای همیشه (از ابتدای کار حفظ تا آخر) با همان قرآن کار حفظ و مرور را پیش ببرد
- قرآنی که انتخاب می کند در قطع متوسط باشد نه خیلی کوچک که چشم خسته می شود و نه خیلی بزرگ (چون تصویر برداری می شود و باید تصویر خوب و واضحی از صفحات در ذهنمان باشد
- قرآن باید با خط عثمان طه باشد ، چون این قرآن ، قرآن رایج هست و در همه ی کشورها هست و بین حافظ قرآن مرسوم هست ، لذا شما هر جا بروید امکان مرور و حفظ با این قرآن برای شما هست ، همچنین پایان هر صفحه با یک آیه ختم می شود و تعداد آیات مشخص هست
- بدون ترجمه باشد چون بنا بر عکس برداری از صفحات هست لذا تا می شود باید صفحه ی ذهنمان خلوت باشد

حالا می خواهیم یک آیه را حفظ کنیم ، چه باید بکنیم ؟

- ۱- اگر آیه کوچک هست ، باید آیه را آنقدر تکرار کنیم تا حفظ کنیم (در ابتدا باید از روی قرآن بخوانیم و وقتی کاملا مطمئن شدیم که حفظ کردیم ، می توانیم به قرآن نگاه نکنیم)
 - ۲- اگر آیه بلند هست باید آیه را به قطعات کوچکتر (با توجه به معنای آیه) تقسیم کنیم و هر قسمتی را با تکرار زیاد حفظ کنیم و بعد سراغ قسمت بعدی برویم و بعد این دو قسمت را با یکدیگر بچسبانیم و بعد قسمت سوم را بخوانیم و حفظ کنیم وبعد این سه قسمت را باهم بخوانیم و همینطور...
 - ۳- وقتی حفظ یک آیه تمام شد به سراغ آیه ی دوم می رویم و حفظ می کنیم و بعد آیه ی اول و دوم را با هم می خوانیم ، و بعد آیه ی سوم را حفظ می کنیم و بعد از آیه ی ۱ تا ۳ را می خوانیم و همینطور...
 - ۴- برنامه ی حفظ وقتی کامل می شود که ما بتوانیم به راحتی یک آیه را بدون هیچ اشتباه و غلطی بخوانیم و گرنه اگر اشتباه داشته باشیم هنوز برنامه ی حفظ کردن به پایان نرسیده و باید آنقدر تکرار کنیم که دیگر هیچ غلطی نداشته باشیم .
- نباید با لحن خاصی حفظ کنیم ، بلکه باید با لحن ساده حفظ کنیم . یک آهنگ ساده هست که باید با همان لحن بخوانیم



- نکته ی خیلی مهم اینست که حفظ کردن از نگه داری حفظ خیلی آسانتر است یعنی نگه داری حفظ مهمتر از حفظ کردن هست
شما شاید اگر بنشینید ، بتوانید در مدت نیم ساعت ، نصف صفحه را حفظ کنید اما اگر به شما بگویند که این صفحه را فردا بخوان ، نمی توانی مثل دیروز بخوانی
حفظ کردن ۲۰ درصد کار هست ، ۸۰ درصد مربوط می شود به مرور و نگه داری محفوظات

سه راه مهم و اساسی برای حافظان قرآن

- ما به شما برنامه می دهیم که چه کار کنید که محفوظاتتان را از یاد نبرید .
- در ابتدا که انسان حفظ می کند ، این محفوظات در حافظه ی کوتاه مدت ذخیره می شود ، سه برنامه را هر روز باید انجام دهیم که این محفوظات را از حافظه ی کوتاه مدت به حافظه ی دراز مدت بفرستیم .
۱ - مرور کوتاه مدت ؛ باید مقداری را که امروز حفظ کرده ایم را ۱۰ تا ۲۰ بار در زمانهای مختلف بخوانیم . به اینصورت که مثلا هر یک ساعت یکبار ، از حفظ بخوانیم که تقریبا ۱۵ بار می شود (هر چه بیشتر بخوانیم کیفیت حفظمان بهتر می شود)
نکته ؛ همه ی مرور کردن ها باید از حفظ باشد ، خواندن از روی قرآن برای دوره ی محفوظات اگر یک درصد فائده داشته باشد ، خواندن از حفظ ۹۹ درصد فائده دارد ، لذا باید سعی کنیم که قرآن را ببندیم و از حفظ بخوانیم و اگر جایی را اشتباه خواندیم یا گیر کردیم ، قرآن را باز کنیم و نگاه کنیم ، اما بهترین حالت اینست که قرآن را به کسی بدهیم و برای او بخوانیم تا او غلط های ما را بگیرد
۲ - مرور میان مدت ؛ هرروز باید از محفوظات دوهفته ی گذشته تا جایی که حفظ کرده ایم را بخوانیم . نتیجه ی این کار این می شود که شما صفحه ای را که امروز حفظ کرده ای را تا دو هفته ، هر روز می خوانی و این کمک خیلی زیادی می کند برای رفتن در حافظه ی بلند مدت
۳ - مرور بلند مدت ؛ اینست که حافظ قرآن باید یک برنامه ی کلی ، برای دوره و مرور همه ی محفوظات خودش داشته باشد تا فراموش نشود ، مقداری که توصیه می شود یک دهم محفوظات هست . مثلا اگر کسی حافظ کل قرآن هست ، روزی سه جزء بخواند . اگر کسی ده جزء حفظ هست روزی یک جزء بخواند ، اگه کسی یک جزء حفظ هست ، روزی دوصفحه بخواند
هر شخصی که می خواهد حافظ قرآ» شود بر او لازم است که به غیر از وقتی که برای حفظ قرآن می گذارد ، این سه مرور را هر روز انجام دهد والا قرآن را به خوبی حفظ نخواهد کرد

سوال : اگر می شه خودتون را معرفی کنید

بسم الله الرحمن الرحيم ؛ بنده محمد علی عابدی هستم ، متولد سال ۱۳۶۳ در شهر علی آباد کتول . تا سن ۱۸ سالگی در شهر علی آباد کتول ساکن بودم و بعد از اخذ مدرک دیپلم در رشته ی ریاضی فیزیک وارد حوزه شدم ، در سال ۱۳۸۰ وارد حوزه ی علمیه ی قم شدم و در مدرسه ای مخصوص حافظان کل قرآن کریم در قم تحصیل کردم و الان حدود ۱۳ سال هست که در قم مشغول به تحصیل هستم .

سوال : در مورد تحصیلات عالیه ی خود در حوزه ی علمیه ی قم توضیح دهید ؟

بنده مشغول به تحصیلات عالیه ی حوزه یعنی سطح ۴ حوزه که معادل دکترا هست می باشم . روند کلاسی درس خارج برای گرفتن مدرک سطح ۴ حوزه که معادل دکترا هست ۴ سال می باشد که بنده امسال وارد سال سوم می شوم که از لحاظ کلاسیک ، روند علمی حوزه تمام می شود

سوال : آیا غیر از حوزه ، تحصیلات دیگری هم مشغول هستید ؟

بله ، در رشته ی کارشناسی ارشد در رشته ی علوم حدیث با گرایش اخلاق در دانشگاه قم مشغول به تحصیل هستم

سوال : آیا فعالیت های قرآنی هم تا به حال داشته اید ؟

بنده از سن ۱۳ سالگی مشغول به حفظ قرآن شدم و در مدت سه سال حافظ کل قرآن شدم و از همان سن ۱۳ سالگی به عنوان استاد قرآن در شهر علی آباد مشغول به تدریس کلاس های قرآن بودم در علی آباد فقط بنده و آقای سید ابوالفضل حکیمی حافظ کل قرآن بودیم و دارالقرآن علی آباد که افتتاح شد ، بنده جزء اولین نفرهایی بودم که در آنجا فعالیت می کردم و بعدها حافظان زیادی در همین دارالقرآن پرورش یافتند

سوال : شما در شهر دلند موسسه ای به اسم دارالثقلین راه اندازی کرده اید ، اگر امکان دارد

در مورد آن کمی توضیح دهید ؟

البته اینکه اسم موسسه و کار تشکیلاتی را برای این گروه بخواهیم بگذاریم ، لازم به گذراندن مراحل هست که بتوانیم مجوز تأسیس یک موسسه را بگیریم . اما بدنال این هستیم که نام موسسه ی آموزشی - فرهنگی دارالثقلین را برای این گروه به ثبت برسانیم و مراحل از آن را هم سپری کرده ایم . کار اصلی دارالثقلین از آنجا شروع شد که ما مشاهده کردیم عده ای از جوانان این شهر دغدغه دینی و فرهنگی دارند و مشتاق هستند که هم برای دین خودشان و هم جامعه کاری کنند تعدادی از جوانان مومن شهر دلند که دغدغه ی دینی و فرهنگی در این شهر داشتند را هفته ای یکبار دور هم جمع کردیم . آنها بدنال یادگیری معارف دین و عمل به احکام دین بودند . این گروه وابسته به هیچ نهاد و ارگان و سازمانی نیست ، و بصورت خود جوش و مستقل مشغول فعالیت دینی در این شهر می باشد .

سوال : هدف از تشکیل گروه دارالثقلین چه بوده ؟

بنده که به عنوان روحانی مبلغ در شهر دلند در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۱ وارد این شهر شدم ، تصمیم به شکل دهی چنین گروهی کردم و هدف اصلی و اساسی بنده ، فهماندن معارف دین و عمل به دستورات دین بود در واقع می خواهیم در این شهر نیروی های فرهنگی و دینی برای آینده ی این شهر تربیت کنیم ، این جوانان وقتی از نظر علمی و عملی در مقابل شبهات و انحرافات جامعه بیمه شدند و خودشان پیشرفت کردند طبیعتاً خواهند توانست در هر بخشی از جامعه که هستند تأثیرگذار باشند .

یکی از وظائف ما بررسی چالش ها و مشکلات و نواقص دینی و فرهنگی مردم آن منطقه هست .

در مورد شهر دلند باید بگویم حقیقت مطلب اینست که به پیشرفت جدی در همه ی زمینه های دینی و فرهنگی نیاز دارد . کمبودها و نواقص زیادی مشاهده کردم که در شرایط امروز جامعه ، برازنده ی شهر مستعدی مثل دلند با جمعیت

حدود ۱۰ هزار نفری نبود

سوال : هدف از تشکیل گروه دارالثقلین چه بوده ؟

بنده که به عنوان روحانی مبلغ در شهر دلدند در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۱ وارد این شهر شدم ، تصمیم به شکل دهی چنین گروهی کردم و هدف اصلی و اساسی بنده ، فهماندن معارف دین و عمل به دستورات دین بود در واقع می خواهیم در این شهر نیروی های فرهنگی و دینی برای آینده ی این شهر تربیت کنیم ، این جوانان وقتی از نظر علمی و عملی در مقابل شبهات و انحرافات جامعه بیمه شدند و خودشان پیشرفت کردند طبیعتاً خواهند توانست در هر بخشی از جامعه که هستند تأثیرگذار باشند .

یکی از وظائف ما بررسی چالش ها و مشکلات و نواقص دینی و فرهنگی مردم آن منطقه هست . در مورد شهر دلدند باید بگویم حقیقت مطلب اینست که به پیشرفت جدی در همه ی زمینه های دینی و فرهنگی نیاز دارد . کمبودها و نواقص زیادی مشاهده کردم که در شرایط امروز جامعه ، برآورنده ی شهر مستعدی مثل دلدند با جمعیت حدود ۱۰ هزار نفری نبود

جوانان و نوجوانان مومن و بسیار خوبی که آمادگی پیشرفت در مسائل دینی را داشتند اما هیچ مکانی برای پاسخگویی به نیازهای دینی و فرهنگی آنها در این شهر نبود
خلاً و نیاز و کمبود همه ی انسانها در دنیا ، ارتباط حقیقی و واقعی با خالق خودشان هست . انسانها ذاتاً تشنه ی معنویت هستند و می خواهند به کمال برسند ، لذا اگر نیاز واقعی آنها از راه درست و صحیح تامین نشود به بیراهه رفته و مسیر گمراهی را بجای مسیر هدایت طی می کنند .

جوانان بسیار خوب و مومنی در این شهر بودند و هستند که جای پیشرفت بیشتری دارند ، افراد مستعد بسیاری هستند که دوست دارند خوب باشند اما نمی دانند که چه باید کنند ، عده ی دیگری هستند که شاید با شنیدن مطالبی و چندین ساعت صحبت کردن ، مسیر زندگی آنها عوض شود . این ها همه پتانسیل هایی هست که در این شهر نباید رها شود .

دارالثقلین یعنی چه و چرا این نام را برای این گروه گذاشته اید ؟

دارالثقلین یعنی خانه ی قرآن و عترت

اینکه خانه ی قرآن و عترت را نام گذاشتیم ، بخاطر این حدیث شریف هست :

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ .

پیغمبر اکرم صلّ الله علیه و آله فرمود : من دو چیز گرانبها در میان شما به یادگار می گذارم ، تا زمانیکه به آن دو چنگ بزنید هرگز بعد از من گمراه نمی شوید که این دو ؛ کتاب من قرآن و اهل بیتم می باشد و ایندو هرگز از هم جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

در واقع ما بدنال این هستیم که در این موسسه و تشکیلات ، قرآن و اهل بیت را الگوی خودمان در زندگی قرار دهیم و با استفاده از این دو گوهر گرانبها خود و جامعه را به اوج کمالات انسانی برسانیم . عمده ی آموزش ها و تعالیمی که در این گروه انجام می شود حول همین دو محور می باشد

سوال : در جلسات دارالثقلین در مورد چه موضوعاتی صحبت می شود ؟

از لحاظ محتوایی ، جلسات و نشست های هفتگی ما مربوط می شود به معارف دین قرآن ، حدیث و احکام .

منابع و کتابهایی معرفی می شود که در این سه بخش (قرآن ، حدیث و احکام) خوانده می شود و این برنامه ای هست که اعضاء گروه در غیاب روحانی جلسات ، هفته ای یکبار برگزار می کنند . و بنده خودم را ملزم و موظف کرده ام که هر ماه یکبار از قم به این شهر بیایم و بعد از سه هفته ، جلسه را در هفته ی چهارم برگزار کنم البته در صورتی که بنده در شهر دلدند باشم مثل بعضی از ایام تبلیغی مثل محرم و ماه مبارک رمضان ، اداره ی جلسه با بنده می باشد .

سوال : به نظر شما جلسات دارالثقلین چه فوایدی می تونه برای این شهر یا جوانان داشته باشد ؟

۱ - از خوبی های جلسه ی دارالثقلین اینست که جوانان خوبی توانستند راه خودسازی و تهذیب نفس را پیش بگیرند و بسیاری از رذائل اخلاقی را از خودشان دور کنند ، افرادی که اهل موسیقی و روابط نامشروع بوده اند ، اما الان با آشنا شدن به حقائق این عالم و یادگیری معارف دینی و نزدیک شدن به خداوند متعال ، همه ی زشتی های گذشته را کنار گذاشته اند و راه بندگی خدا را پیش گرفته اند ، افرادی که دارای رفقای بدی بوده اند اما بخاطر خدا از همه ی این رفقای بد فاصله گرفته اند و خدا را بهترین رفیق خود گرفته اند و سعی کرده اند بهترین رفقای خود را از بین همین اعضاء دارالثقلین انتخاب کنند .

ما اگر بتوانیم یک نفر را تربیت کنیم ، ارزش بسیار زیاد و بالایی دارد و گویا تمام انسانها را زنده کرده ایم و من أحياءها فكأنما أحياء الناس جميعا

مسلم ارشاد و هدایت یک نفر ، هدف نهایی ما و توقفگاه ما نیست و نخواهد بود ، یعنی ما به این راضی نیستیم بلکه همه ی ما دوست داریم که همه ی جوانان این شهر حتی این کشور و حتی کل دنیا ، به مسیر بندگی خدا بیایند اما انسان به اندازه ی توانایی های خودش قدم برمی دارد و شخص مقابل هم باید بخواند تا درست شود

لذا ما در وهله و مرحله ی اول با کسانی کار داریم که خودشان می خواهند اصلاح شوند و در مرحله ی دوم ، این افرادی که خودساخته شده اند در جامعه تأثیرگذار می شوند و زمینه ی جذب افراد بیشتری را فراهم می کنند . پس رشد و پیشرفت همه ی جوانان آرزو و خواست ما هست و تلاشمان را هم در این مسیر انجام می دهیم منتها به این معنا نیست که اگر نتوانیم همه ی جوانان شهر را درست کنیم پس برای هیچ کس ، کاری انجام ندهیم . یا همه یا هیچ ! یا بگوییم چون یک نفر و 10 نفر و 20 نفر کم هست ، پس سر جای خودمان بنشینیم و بگوییم فائده ای ندارد . حرف ما اینست که نه تنها 30 نفر بلکه 1 نفر هم ارزش دارد و خداوند بها داده است . البته هدایت بدست خداست و ما فقط وظیفه ی تبلیغ دین خدا را به عهده داریم

جلسات ما فوائد زیاد دیگری دارد که به طور خلاصه مواردی را ذکر می کنم :

- ۱ - تاثیر گذاری در نوجوانان و جوانان دیگر شهر ، و سعی در اصلاح افراد جامعه از طریق نشان دادن اخلاق و رفتار خوب به مردم و همچنین از طریق یاد دادن معارف دینی که در این جلسات فرا گرفته شده است .
- ۲ - یادگیری و تعلیم معارف دینی در بخش قرآن و حدیث و احکام در این جلسات انجام می شود . شخصی که در این جلسات وارد می شود به مرور زمان می بیند که بسیاری از مسائل دینی را می داند که دیگران از آن آگاهی ندارند . و همین علوم دینی ، چراغی برای هدایت او در جامعه و مشکلات زندگی می شود
- ۳ - سوالات شخصی افراد در زمینه های مختلف پاسخ داده می شود
- ۴ - مشکلات افراد از طریق مشاوره برطرف می شود
- ۵ - بالا بردن سطح اطلاعات دینی و معرفتی افراد شرکت کننده در جلسه یکی از فوائد مهم این جلسات هست همان تحصیل علم و یادگیری علم دین ، که علم حقیقی و واقعی هست و احادیث زیادی در فضیلت یادگیری علم واقعی هست و برای طالبان علم ثواب و اجر زیادی گفته شده
- ۶ - شبهاتی که در جامعه رواج دارد و متاسفانه فکر و ذهن افراد جامعه را بدنبال خود می کشاند و در دینداری مردم تاثیر مخرب دارد ، برطرف می شود
- ۷ - برطرف شدن نیازها و مشکلات افراد گروه بخاطر اتحاد و انسجام اعضاء و جمع شدن عده ای از مومنین در کنار یکدیگر
- ۸ - کمک های اعضاء گروه به یکدیگر در موقعیت های مختلف شهری
- ۹ - تربیت نیروهای مستعد در زمینه های مختلف فرهنگی و دینی
- ۱۰ - تغذیه ی فرهنگی شهر از جهت تحویل دادن نیروهای مومن و خوب و عالم به مسائل دینی ، توسط این گروه
- ۱۱ - قدرت تأثیرگذاری و نفوذ مومنین متحد در این شهر ، برای پیشبرد بهتر اهداف فرهنگی
- ۱۲ - مانوس شدن با قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام و یادگیری معارف قرآن و حدیث
- ۱۳ - بسیاری از سوالات و ابهامات دینی و معرفتی افراد **۷** این جلسات برطرف می شود

۱۴ - تقویت علمی افراد با انجام برنامه های جانبی مثل معرفی و دادن کتاب های مختلف دینی به افراد گروه ، طرح سیر مطالعاتی ، دادن جزوات و مکتوب مطالب شده در جلسه توسط روحانی و...

۱۵ - ارتباط با قم و دفاتر مراجع و حل بسیاری از سوالات بواسطه ی روحانی جلسه که با قم در ارتباط هست

۱۶ - شناسایی نیازها و کمبودها و مشکلات دینی و فرهنگی شهر و سعی در ارائه ی راهکار و برطرف کردن آنها توسط گروه دارالثقلین (از قبیل ضعف در مسائل قرآنی که توسط این گروه در تابستان ۱۳۹۲ حرکت قرآنی بطور گسترده شروع شد)

سوال : از فعالیت های گروه خودتان در تابستان امسال بگویید ؟

یک سالی هست که در برادران این کار شروع شده و گروه دارالثقلین فعالیت خودش را شروع کرده است ، الحمدلله جوانان مومن و خوبی در این گروه شناسایی و جذب شده اند ، هر چند برای ما کمیت مهم نیست اما این گروه ، افراد خودش را به مرور زمان پیدا کرده و اهداف دینی و فرهنگی را در این شهر با جدیت پیش می گیرد . افراد زیادی به فکر بودند و درخواست کردند که همین برنامه و فعالیت را برای خواهران دلدن نیز آغاز کنیم ، با گذشت یکسال ، این نیاز احساس شد که بخواهیم دارالثقلین دلدن را در قسمت خانم ها نیز راه اندازی کنیم . حقیقت مطلب اینست که فعالیت های دینی و فرهنگی در خانم های دلدن بسیار بهتر و بالاتر از آقایان بوده اما این تلاش ها چون جهت دهی نشده بوده و روحانی محور نبوده ، کافی نبوده و بعضا دچار نقائص و انحرافاتی بوده از اواسط ماه مبارک رمضان امسال ، اولین جلسه در قسمت خانم ها برگزار شد و الان حدود دو ماه هست که این جلسات برگزار می شود .

به طور فهرست وار بعضی از فعالیتهای این گروه را در تابستان امسال ذکر می کنم :

- ۱ - توانمند کردن جوانان در مسائل دینی و آموزش معارف و احکام دین به جوانان
 - ۲ - برگزاری کلاسهای متنوع قرآنی در سطح وسیع در همه ی گروه های سنی در شهر دلدن و ثبت نام ۳۲۰ نفر در کلاسهای قرآن / ۳ - تربیت و پرورش نیروهای مستعد قرآنی از بین قرآن آموزان
 - ۴ - نوشتن اولین نشریه علمی - فرهنگی - اجتماعی ، در این شهر
 - ۵ - تشکیل کلاسهای هفتگی معارف دین (قرآن و حدیث و احکام) برای خانمها { دارالثقلین خانمها
 - ۶ - اجرای برنامه ی ضیافت نور ؛ ختم کل قرآن در ماه مبارک رمضان ، تلاوت هر شب یک جزء قرآن کریم به همراه اهداء جوایز در مسجد جامع دلدن. میانگین شرکت کننده
 - ۷ - برگزاری مراسم شبی با قرآن و اجراء برنامه های مختلف حفظ قرآن در گروه سنی نونهال تا بزرگسال در شب ۲۳ ماه مبارک رمضان در مسجد جامع دلدن
 - ۸ - ایجاد وبلاگی به اسم دارالثقلین (خانه ی قرآن و عترت)
 - ۹ - تشکیل اتاق گفتگوی ال فور (L4)
 - ۱۰ - ایجاد برنامه های مختلف ورزشی برای جوانان و نوجوانان
- اینها گوشه ای از تلاش ها و زحمات اعضاء دارالثقلین بوده که در این مدت کوتاه انجام داده اند ، اینها بیانگر اینست که اینهمه استعداد و توانایی در آینده خواهند توانست قدم های بزرگی را در این شهر بردارند . باید این جوانها را بیابیم و به آنها ارزش و بها دهیم تا خودشان را پیدا کنند و از استعدادهای خود در راه ترویج دین اسلام بهره ببرند
- قابل توجه اینکه این موسسه بواسطه ی کمک های مردم خیر دلدن اداره می شود ، لذا مستدعی هست که بانیان و خیرین محترم در زمینه ی فعالیتهای دینی و قرآنی شهر دلدن هر چه بیشتر ما را یاری برسانند . ما بخاطر تشویق مردم به فعالیتهای قرآنی و ترویج فرهنگ قرآنی در این شهر حتی حاضر شدیم که کلاسهای قرآن را در تابستان امسال بصورت رایگان برگزار کنیم تا همه ی اقشار بتوانند در این امر مهم شرکت کنند ، اما انتظار و توقع ما از متمولین خیر این شهر خیلی بیشتر از اینها بوده و هست .

سوال : بعضی از موضوعاتی که در جلسات دارالثقلین بحث شده را لطفا بگویید ؟

اعضاء جلسات در هر هفته کتابهای مفید را در زمینه ی دینی می خوانند اما بعضی از جلسات را (حداقل ماهی یکبار) بنده به عهده دارم ، سعی من اینست که مطالبی که برای جوانان لازم هست بدانند و جنبه ی کاربردی و عملی دارد را برای آنها بگویم و نظر خود آنها را نیز در انتخاب موضوع جويا می شویم . عناوین بعضی از این موضوعات از قرار زیر می باشد :

مرجع تقلید / روش محاسبه ی خمس / مخارج حروف نماز / شهوت / موسیقی / رفیق / معاد

البته ما در جلساتمان روش های زیادی را برای بالا رفتن سطح علمی اعضاء اجرا می کنیم که سیر مطالعاتی یکی از آنها هست . یعنی ما برای دوستان کتابهایی را تهیه می کنیم و برای مطالعه به آنها می دهیم و همین باعث رشد علمی آنها می شود . یکی از موضوعات مطرح شده در جلسات دارالثقلین « روش محاسبه ی خمس » بوده که به عنوان نمونه این بحث را که در جلسه بیان شده را می گویم :

روش محاسبه ی خمس

مقدمه

یکی از امتحانات بشر در دنیا ، دل کندن از پول است . خداوند می خواهد بداند که بشر، چه مقدار توانایی این را دارد که از دنیا دل بکند ، چون بنا اینست که در آینده ای نه چندان دور از همه ی دنیا جدا شود پس باید تمرین کند که بتواند از مقدار کمی از دنیا مثلا مقداری از اموالش جدا شود. لذا خداوند فرموده یک پنجم از اضافی اموالت را به خدا و رسول و خویشاوندان او بده

ما باید بدانیم که همه ی اموال ما از خداست ، در واقع ما همان شخصی هستیم که هیچ چیزی نداشتیم و الان صاحب درآمد و خیلی چیزهای دیگر هستیم. من با قدرت و توانایی و ذهنی که خدا داده ، صاحب این دارایی شده ام ، مگر نمی شد که من از لحاظ ذهنی عقب باشم و نتوانم از لحاظ علمی و درسی پیشرفت کنم ، یا از لحاظ بدنی ، ناقص باشم و نتوانم کار کنم؟! چرا می شد که اینچنین باشم اما خدا به من رحم کرده و این همه نعمت را به من داده پس باید شکرگزار خدا باشم به اینکه هر چه او می فرماید انجام دهم. حالا که همه ی دارایی من از خداست، حداقلش اینست که آنچه خداوند متعال در مورد اموال ، به من دستور داده که به افراد خاصی بدهم ، باید دریغ نکنم و نگویم که از خودم هست و نمی دهم . اگر خدا بخواهد همه اش را از من می گیرد کما اینکه همه را هم یکجا در موقع مرگ از ما می گیرد.

خداوند متعال مالک آسمان و زمین هست و میراث آسمان و زمین از اوست. همه را باید بگذاریم و برویم . در روایت داریم که روزی هر شخصی که به این دنیا می آید مشخص است که چقدر است و یک لقمه هم کم یا زیاد نمی شود ، اما اگر شخص سراغ حرام برود به همان میزان از حلال او کم می شود. مثلا اگر بنا بوده در کل عمرش به او ۱۰۰ میلیون پول برسد و او با ندادن خمس یا دزدی یا سر مردم کلاه گذاشتن ۵ میلیون به اموالش اضافه کند ، در جای دیگری بنا بوده ۵ میلیون حلال به او برسد اما دیگه به او نمی رسد پس فکر نکند که اموالش زیاد شده بلکه سراغ حرام رفته و از حلالش کم شده ، فقط عجله کرده که نمی بایست عجله می کرد.

اتفاقا اگر کسی اهل انفاق و انجام وظایف واجب مالی مثل خمس و زکات باشد ، خداوند برکت بیشتری به مالش می دهد و وضعیت زندگی اش بهتر می شود علاوه بر اینکه رضایت ، قناعت و آرامش وارد زندگی اش می شود. آیه ی قرآن می فرماید **مَثَلُ كَسَانِي** که در راه خدا انفاق میکنند مثل کسانی است که یک دانه گندم می کارند که تبدیل به هفتصد دانه می شود. پس عملا با این کار مال خودش را زیاد کرده است.

در روایتی از امام کاظم علیه السلام داریم که اگر کسی مالش را در حلال و یا در راه خدا صرف نکند ، طوری می شود که دو برابرش را در حرام خرج کند . و عیبِ حرام اینست که وبال گردن می شود و در آخرت نیز عذاب و عقاب دارد و هرگز نمی توانیم جوابگو باشیم.

باید بدانیم که مال حرام فقط دزدی و بالا رفتن از دیوار مردم نیست بلکه ندادن خمس نیز وارد کردن مال حرام در زندگی می باشد. خداوند متعال می فرماید مالی که خمسش داده نشده ، حق تصرف و استفاده کردن از آن را نداریم یعنی اگر یک پنجم از آن را جدا نکنیم از هیچ مقدار از آن نمی توانیم استفاده کنیم ، در واقع سهمی که برای خودمان نیست را دزدیده ایم و در اموال خودمان مخلوط کرده ایم و داریم استفاده می کنیم.

نتیجه ی استفاده از مال حرام این می شود که شخص در مقابل بهترین مخلوق خدا و پیامبر و امام معصوم می ایستد ، نتیجه ی استفاده از مال حرام این می شود که شخص به هیچ عنوان حاضر به شنیدن حرف حق نمی شود و حتی سخن حق در گوشش فرو نمی رود.

یکی از موارد آن در روز عاشورا اتفاق افتاد که در تاریخ هم ثبت شده ؛ امام حسین علیه السلام برای آخرین بار می خواست حجت را بر دشمنان خدا تمام کند ، آمد جلوی جمعیت دشمن که آخرین نصیحت ها را به آنها کند شاید بتواند این دل‌های خفته را بیدار کند و از روی دلسوزی آنها را هدایت و راهنمایی کند اما آنها بجای استفاده از این فرصت طلایی شروع کردند به کف و سوت زدن تا صدای امام علیه السلام به آنها نرسد ، حضرت به آنها فرمود : می دانید که چرا شما اینطور شده اید که حتی حاضر نیستید که صدای من حسین را بشنوید؟! چون مُلّت بطونهم من الحرام ؛ شکم های شما از حرام پر شده است !

اینها بعضی از نتایج دنیوی ندادن خمس و زکات و استفاده ی از مال حرام در زندگی است . اما نتایج اخروی آن بسیار زیاد است که از روایات و آیات قرآن استفاده می شود که عذابهای سختی برای آن بیان شده است یکی از آنها که می تواند بسیار تکان دهنده باشد این است که برای همیشه در آتش جهنم خواهیم ماند و هیچوقت شفاعت هم نخواهیم شد. آیا ۳۸ تا ۴۸ سوره ی مدثر بیانگر این نکته هست. ...ما سلککم فی سقر...ولم نک نطعم المسکین...فما تنفعهم شفاعۀ الشافعیین. ترجمه : چه شد که شما در جهنم ماندید اما ما نجات پیدا کردیم ؟ جواب : ما اهل نماز نبودیم ، ما اهل انفاق نبودیم ...

که خداوند هیچگاه بخاطر انجام ندادن یک مستحب، ما را عذاب نمی کند اما به خاطر ترک واجب مثل انفاق واجب که همان خمس و زکات هست ، ما را عذاب می کند.

یکی دیگر از عذابها اینست که در آن دنیا ، همان سکه هایی که جمع کرده اند و انفاق نکرده اند و در راه خدا نداده اند (خمس و زکاتی که واجب بوده را بجا نیاورده اند) در آتش داغ کرده و به پشت و پهلو و صورت‌هایشان می زنند. آیات ۳۴ و ۳۵ سوره ی توبه.

روش محاسبه

هر شخصی که درآمد دارد باید برای خودش سال خمسی داشته باشد چه تشکیل زندگی مستقل داده باشد چه نه ، پس باید یک روزی را در سال برای حساب سال خمسی خودش، مشخص کند (مثلا اولین حقوق و درآمدی که کسب کرده بوده ، اول تیر بوده ، اول تیر سال آینده می شود وقت حساب سال خمسی او)

چهار چیز را باید حساب کند :

۱ - سرمایه

هر شخصی باید برای یکبار سرمایه ی زندگی خودش را حساب کند و خممش را بدهد. سرمایه به چیزی می گویند که از او منفعت و سود بدست می آید و خودش باقی می ماند و از بین نمی رود. مثل زمین کشاورزی ، ماشینی که برای کار و مسافرکشی هست ، تراکتور ، ابزار و وسایلی که با آن کار می کنند و پول در می آورند ، پولی که در بانک گذاشته اند و از سود و بهره ی آن استفاده می کنند یا با آن سهام یا اوراق مشارکت خریده اند و از منفعتش بهره می برند یا زمینی خریده و کنار گذاشته تا قیمتش زیاد شود و بعدا با فروشش استفاده ببرد وامثال اینها.

اصل این سرمایه باید یکبار حساب شود و یک پنجم آن داده شود ، و اگر برای سالهای آینده سرمایه ی ما بیشتر شود باید آن افزایش سرمایه فقط حساب شود. مثلا مغازه ای ۱۰ میلیون سرمایه داشته ، برای یکبار خمس این سرمایه را می دهد. سال بعد دیگر نیاز نیست خمس این ۱۰ میلیون را بدهد اما اگر سرمایه ی مغازه اش ۱۵ میلیون شود باید خمس این ۵ میلیون افزایش سرمایه را بدهد که می شود یک میلیون.

نکته ۱: چیزیکه به ارث می رسد، خمس ندارد، مگر اینکه بداند آن شخصی که به ارث گذاشته، خمس نمی داده و خمس این چیز را نداده. همچنین مهریه خمس ندارد، اما در مورد هدیه فتاوا مختلف است و بنا بر فتوای امام خمینی و آقای خامنه ای، هدیه خمس ندارد

نکته ۲: اگر سرمایه را از پول درآمد تهیه کرده باشد باید خمس آنرا بدهد اما اگر از طریق غیر از کار و کسب تهیه کرده باشد مثلا به او ارث رسیده باشد یا هدیه داده باشند (بنا بر فتوای کسانی که می گویند هدیه خمس ندارد) یا مهریه باشد و...، در اینطور موارد دیگر نیاز نیست که خمس سرمایه را بدهد

نکته ۳: اگر کسی خواست خمس سرمایه را بدهد اما می بیند که زیاد می شود و در توانش نیست که این مبلغ زیاد را الان بدهد، ایشان باید اموالش را حساب کند مثلا همه ی سرمایه ای که دارد ۱۰۰ میلیون می شود، خمس این ۱۰۰ میلیون می شود ۲۰ میلیون اگر نمی تواند این ۲۰ میلیون را بدهد به او می گوئیم که شما چه مقدارش را می توانی بدهی؟ مثلا می گوید یک میلیون. میگوئیم خوب اشکال ندارد همین یک میلیون را بگیر و بیاور دفتر مرجع تقلید خودت، به عنوان خمس مالت بده و بگو که من ۱۹ میلیون دیگر خمس بدهکارم اما الان ندارم که بدهم، آنها به تو ۱۹ میلیون قرض می دهند که تو به عنوان خمس مالت بدهی. با این کار تو اموالت پاک شده و با خیال راحت می توانی در اموالت تصرف کنی، فقط بدهکار دفتر مرجع تقلیدت شده ای، یعنی آنها به تو ۱۹ میلیون قرض داده اند که تو بتوانی خمس مالت را بدهی، پس بعدا به مرور زمان هر وقت که توانستی کم کم این ۱۹ میلیون را برگردان. مثلا اگر می توانی هر ماه ۱۰۰ هزار تومان بدهی، همان مقدار را بده و دریغ نکن. یا بیشتر یا کمتر. به این کار می گویند دست گردان.

نکته ۴: خمس را باید هر کسی به دفتر مرجع تقلید خودش بدهد نه مرجع دیگر و نه اینکه خودش به فقیر یا سید یا شخص دیگری بدهد. حالا یا خودش ببرد به دفتر مراجع که در شهرهای بزرگ مثل قم، تهران، مشهد و... وجود دارد یا اینکه به یک روحانی یا شخص مورد اطمینانی بدهد که بجای او ببرد و بدهد و قبض رسیدش را بیاورد.

۲ - خمس درآمد و منافع

به اصطلاح همان پولی که در دستمان هست و می ماند. سال خمسی برای همین مواقع هست. مثلا کارمند یا کارگری اولین حقوقش را می گیرد یا کشاورزی اولین محصولش را برداشت می کند و پولش را می گیرد یا حساب می کند، تا سال آینده همین موقع (دقیقا یکسال که می گذرد) حساب کند و ببیند که چه مقدار پول دست او مانده یا در حسابش پس انداز و ذخیره کرده است (هر مقدار که مانده می شود اضافی درآمد و مخارجش که استفاده نکرده و نیازش نشده و توانسته پس انداز کند) باید یک پنجم آنرا (نه همه ی آنرا) به عنوان خمس بدهد. مثلا اول تیر حساب سال خمسی او می باشد، نگاه می کند می بیند که ۱۰۰ هزار تومان اضافی مانده و در دست او یا در حسابش هست، باید یک پنجم آنرا به عنوان خمس بدهد. اما اگر همه ی پول و درآمدهای در طول سالش را خرج کرده و الان که اول حساب سال خمسی او می باشد، می بیند که چیزی در دست او نمانده است در اینصورت، چیزی به عنوان خمس درآمد به عهده اش نیست.

۳ - خمس وسایلی مصرفی منزل

وسایل منزل دو قسم هست یکی وسایلی که با مصرف کردنش کم می شود؛ مثل برنج، روغن، عدس، گوشت، حبوبات، میوه و تره بار، خشکبار و همه ی خوردنی ها، مثل شامپو و صابون و خودکار و دفتر و... یعنی وسایلی که با مصرف کردنش قسمتی از آن می ماند و قسمت دیگرش از بین می رود. این قبیل وسایل را باید حساب کرد و اول سال خمسی خودمان، مثلا اول تیر ببینیم از این وسایلی که در طول سال با پول درآمدمان خریده ایم چه مقدارش باقی مانده: مثلا نصف دفتر صد برگ و نصف خودکار و ۳ عدد خودکار دست نخورده، ۵ تا صابون، یک نصفه شامپو، ۱۰ کیلو برنج، ۲ کیلو روغن، ۱ کیلو عدس، ۲ کیلو گوشت، ۵ کیلو تخم مرغ، ۳ کیلو خربزه و.... قیمت همه ی اینها را حساب می کنیم و یک پنجم آنرا به عنوان خمس می دهیم.

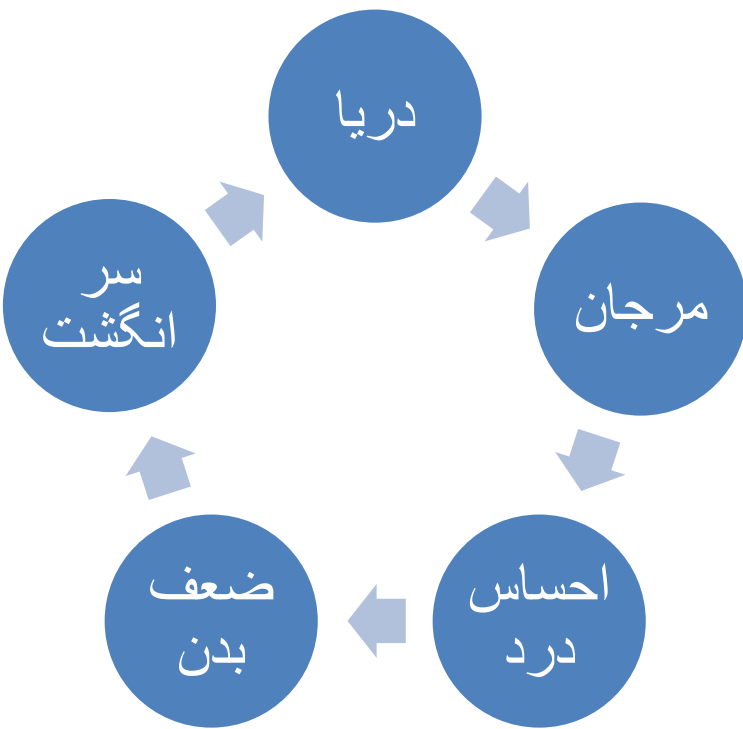
۴ - خمس وسایلی که مصرفی نیستند

منظور وسایلی است که با مصرف کردنش کم نمی شود مثل یخچال، تلویزیون، فرش، اجاق گاز و... این وسایل به خودی خود خمس ندارند مگر اینکه در خرید آنها زیاده روی و اسراف کرده باشد یا بیشتر از شأنش خریده باشد. مثل اینکه شأن او و حد زندگی او داشتن یک تلویزیون معمولی هست اما رفته یک ال سیدی بزرگ خریده که هر کس او را با این وضعیت زندگی می بیند تعجب می کند، او باید این مقداری که بیشتر از شأنش خریده، خمسش را بدهد (مثلا اگر تفاوت قیمت تلویزیون معمولی با ال سیدی، ۵۰۰ هزار تومان می باشد باید خمس این ۵۰۰ هزار تومان را بدهد) یا شأنش داشتن یک پراید بوده اما یک زانتیا خریده است (باید خمس تفاوت قیمت پراید تا زانتیا را بدهد).

یا اینکه اسراف و زیاده روی کرده، مثلا فرش داشته اما رفته یک فرش دیگر خریده و گذاشته کنار منزل، باید خمس آن فرش اضافی را بدهد. یا در خرید وسایل منزل زیاده روی و اسراف کند، باید خمس آن مقداری که بیش از حد خریده را بدهد.

نکته ۱: مؤونه، خمس ندارد. مؤونه به هزینه هایی که شخص برای نیاز زندگی خودش و خانواده اش در طول سال مصرف می کند میگویند. مثلا هزینه هایی که برای سفر زیارتی می کند، هدیه و صدقه هایی که به دیگران می دهد، چیزهایی که نیاز زندگی اش بوده و خریده مثل لباس و فرش و یخچال و... این چیزهایی که جزء مخارج و هزینه های زندگی هست که درطول سال خمسی خرج می کند، خمس ندارد و نیاز نیست سر سال خمسی این خرج هایی که کرده را حساب کند و خمسش را بدهد مگر اینکه در خرید آن چیزها زیاده روی کرده باشد و یا بیشتر از شأنش خریده باشد (چون یک جورایی فرار از خمس می شود، یعنی برای اینکه سر سال خمسی هیچ پولی در دستش نماند و نخواهد خمس بدهد، همه ی اموالش را دارد مصرف می کند با اینکه بیشتر از شأن اوست یا اسراف شده است).

نکته ۲: ماشینی که برای نیاز خودش و خانواده اش خریده، خمس ندارد اما ماشینی که برای مسافركشی خریده چون با آن پول و منفعت در می آورد، سرمایه ی شخص حساب می شود و برای یکبار باید خمسش را بدهد.



توصیف قرآن در قرآن کتاب آسمانی قرآن به اذعان تمام قرآن شناسان جهان (اعم از مؤمن و کافر)، کتاب شگفت انگیزی است. بسیاری، در مورد آن مطالبی گفته و سعی کرده‌اند آن را به نوعی در حد فهم خود تمجید و توصیف و حتی تبیین کنند. اما مسلماً هیچ یک به واقعیت و روشنی توصیفی خود قرآن از خویش نیست. واژه قرآن حدود ۵۸ بار در آیات آن ذکر شده است و علاوه بر این در آیات متعددی نیز از قرآن با نام‌های دیگری توصیف شده است که خود اشاره به جلوه‌های متفاوتی از ماهیت ژرف قرآن دارد. در این آیات، صفات متعددی برای قرآن ذکر شده است که هر کدام بیان کننده کارکرد خاصی آن در حیات انسانی می- باشد. از جمله:

قرآن هدایت کننده مردم می باشد (بقره: ۱۸۵)
 و این هدایت با بهترین و پایدارترین شیوه ارائه شده است (اسراء: ۹)؛
 -قرآن نازل شده از (خداوند حکیم و ستوده است (فصلت: ۴۲)؛
 -قرآن تبیین کننده همه چیزهاست (نحل: ۸۹) چون از علم خدا نازل شده است (هود: ۱۴) آن کتاب پر حکمت است (یس: ۲)؛
 -قرآن یادآوری کننده فطریات انسان است (تکویر: ۲۷)؛
 -قرآن شفاء دهند قلوب مؤمنین است (اسراء: ۸۲)؛
 -قرآن رحمت الهی و تجلی از لطف خداوند است (اسراء: ۸۲)؛
 -قرآن کتابی منحصر به فرد و بی مانند است (اسراء: ۸۸)؛
 -قرآن کتاب با کرامت است (واقعه: ۷۷)؛
 -قرآن یک دست و بدون اختلاف و اعوجاج است. (نساء: ۸۲).
 و صفاتی دیگری مانند «نور»، «حُبْلُ اللَّهِ» (ریسمان خداوند)، «مجید» (با شکوه)، «کتاب عزیز» (کتاب محترم) «مبین» (روشن گر (و امثال آن، که هر یک دلالت بر وجهی از ذات بابرکت قرآن برای انسان دارد

دریای آب شور و شیرین در کنار هم!!

دریا

ariyashat.blogfa.com

این همان دریای عجیبی است که در قرآن آمده است!!

در شهر توریستی اسکاگن این زیبایی را می توانید در سجیه دید، این شمالی ترین شهر دانمارکی هاست، جایی که دریای بالتیک و دریای شمال بهم می پیوندند. دو دریای مختلف با هم یکی نمی شوند و بنابراین این راستا بوجود می آید.

و این همان چیزی است که در قرآن آمده است.

سوره مبارکه الرحمن..

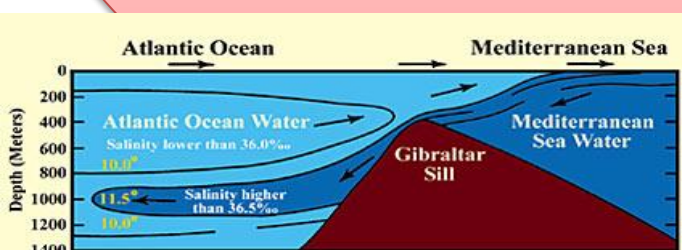
مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹) بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (۲۰) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱)
يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْثُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲)
(۱۹) دو دریا را به گونه ای روان کرد که با هم برخورد کنند. (۲۰) اما میان آن دو حد فاصلی است که به هم تجاوز نمی کنند. (۲۱) پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۲۲) از آن دو، مروارید و مرجان خارج می شود.
سوره مبارکه فرقان آیه ۵۳:

«وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَ حِجْرًا مَهْجُورًا»

و اوست کسی که دو دریا را موج زنان به سوی هم روان کرد این یکی شیرین و آن یکی شور و تلخ است و میان آندو حریمی استوار قرار داد.

علوم دریا شناسی امروز بوضوح این پدیده را باثبات رسانیده است. هنگامی که دریای مدیترانه در جبل اطارق به اقیانوس اطلس می ریزد، با توجه به اختلاف درجه حرارت، شوری و غلظت، مانعی بین آنها قرار می گیرد همانطوری که در تصویر زیر نشان داده

شده است.



از هر دوی آنها (از هر دو دریای شور) مروارید و مرجان درمی آید. کدامیک از این نعمتهای پروردگار خود را می توانید تکذیب کنید؟!*

نکته آیه: آیه مرجان را نعمت شمرده است:

در زمان پیامبر مرجان استفاده ای که بتوان آنرا نعمت نامید نداشته است. امروزه انسان از برخی مرجانها در ترمیم استخوانهای آسیب دیده و ناقص شده استفاده می کند. وقتی مرجان به استخوان پیوند زده می شود، علی رغم اینکه بدن فسفات کلسیم دارد و مرجان کربنات کلسیم، با این حال استخوان مرجان را رد نمی کند، بلکه آنرا می پذیرد. ابتدا خون دور قطعه مرجان را محاصره می کند و آنرا ذوب می کند. بعد استخوان آنرا در خود قاطی می کند و رفته رفته با استفاده از آن، خود را ترمیم می کند و دقیقاً شکل اصلی خود را بخود می گیرد



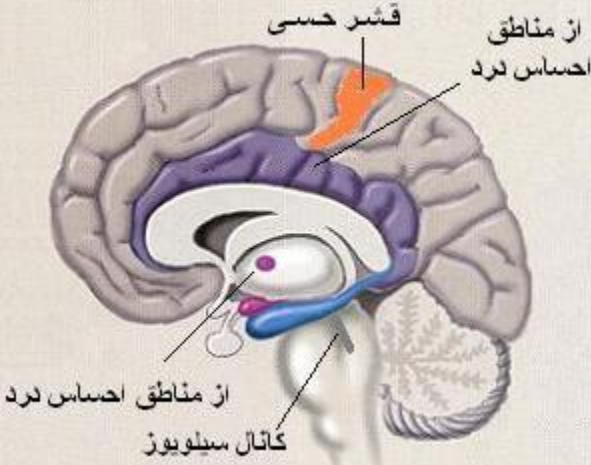
مرجان از استخوان قویتر است ولی ترکیبات آنها ضمن کم و زیاد بودن در هر کدام مشترک است. مثلاً هر دو کلسیم، منیزیم و فلور دارند. کلسیم مرجان و استخوان تقریباً مساوی است. منیزیم استخوان تقریباً کمی کمتر از دو برابر منیزیم مرجان است. از نظر فلور، مرجان کمی بیشتر از استخوان فلور دارد.

توجه شدید به چیزی و احساس درد نکردن

و زنانی در شهر گفتند: همسر عزیز (یعنی زلیخا همسر نخست وزیر مصر) با جوان خود درگیر می شود تا خواست خود را به او بخواهاند. شیفتگی دوستداری یوسف برآستی مشغولیت او شده است. ما برآستی او را در رویه ای که همه آن را ناپسند می دانند می بینیم — هنگامیکه (زلیخا) نقشه آنها را شنید دنبال آنها فرستاد، برای هر کدام نشیمنی مشخص نمود، بدست هر کدام یک کارد داد، و به یوسف گفت بر آنها وارد شو! همینکه او را دیدند او را بزرگ دیدند و دستهای خود را بریده بریده نمودند و گفتند: خدا از بدی دور! این بشر نیست، این تنها یک فرشته بزرگوار است

مُرَاوِدَةٌ: «درگیر شدن با کسی برای خواهانیدن خواست خود به او است». شَغَفَ: «شیفته و دلباخته شدنی است که اندیشه انسان را بخود مشغول می کند - «حُبَّ»: «دوست داشتن کسی بخاطر خوب بودن آن است. مانند دوست داشتن یک آموزگار خوش رفتار. "مبین": چیزی است که برای همه پیدا و آشکار است. و "ضلال مبین" در آیه بمعنی: چیزی است که همه آنرا بی راهگی و رویه نادرست می دانند. "دستهای خود را بریده بریده نمودن" مجاز است بمعنی: پوست و گوشت دستهای خود را بریده بریده نمودن. "مکر" بمعنی: نقش بر آب نمودن است و منظور زلیخا از مکر زنان این است که آنها (از روی رشک و رزی) نقشه داشته اند که جایگاه و شخصیت وی بعنوان همسر نخست وزیر را لکه دار کنند

نکته مورد نظر ما در آیه اینست که می گوید: زنان یوسف را بزرگ می بینند و دستهای خود را بریده بریده می کنند. یعنی زیبایی یوسف چنان آنها را شیفته می کند که کاردهائی که با آنها میوه پوست می کنده و تکه می کرده اند دستهای آنها را پاره پاره می کند ولی آنها احساس نمی کرده اند.



پژوهشهایی که با دستگاه روی مغز شده نشان می دهد که هنگامیکه مغز شدیداً متوجه چیز مهمی است، فعالیت مناطقی از مغز که درد احساس می کند کم می شود. و فعالیت در سلولهای عصبی پیرامون کانال سیلویوز بیشتر می شود، که این فعالیت منجر به ترشح ماده تسکین دهنده درد می شود. به این خاطر هنگامیکه توجه انسان پیش چیز مهم و بزرگی است اگر در آن لحظات پوست و گوشت دست خود را ببرد احساس درد نمی کند و متوجه نمی شود که دارد دست خود را می برد.

ضعف بدن

روند قوی و ضعیف شدن بدن

خدا آنست که شما را از چیز سست آفرید، مدتی پس از سستی روند پیوسته نیرومند شوندگی قرار داد، مدتی پس از روند نیرومندی روند پیوسته سست شوندگی و پیری قرار داد. خدا آنچه را می خواهد می آفریند و او دانای توانمند است

نکات آیه :

1— انسان ابتدا از چیز سست آفریده می شود:
انسان در ابتدا از یک سلول آفریده می شود که ترکیب در هم ذوب شده ای است از تخمک زن و سلول منی مرد (اسپرم). این سلول موجودی است کاملاً سست. یعنی بی استخوان و غضروف و غیره.
2— مدتی پس از سستی ساختار خلقت، انسان پیوسته روند نیرومند شوندگی بخود می گیرد:
پس از مدتی (تقریباً پس از سه هفته) رشد سلول اولیه (که کاملاً سست است) به نقطه تولید استخوان می رسد که نیرومندترین بافت بدن است. در استخوانها نیز همانگونه که بافتهای جدید تولید می شوند بافتهای قدیمی خراب می شوند. از وقتی که تولید بافت استخوانی آغاز می شود تا ۳۰ سالگی هر ساله پیوسته بافتی که تولید می شود یک درصد از بافتی که خراب می شود بیشتر است. یعنی دقیقاً همانطور که آیه می گوید: انسان پس از سستی ساختار خلقت خود روند پیوسته نیرومند شوندگی بخود می گیرد. (واژه جَعَلَ به معنی «قرار دادن» به معنی: پیوسته و همواره انجام دادن یا بودن چیزی یا کاری است. مثلاً وقتی آیه می گوید: پس از سستی نیرومندی جَعَلَ کرده (قرار داده)، به این معنی است که انسان پیوسته نیرومند می شود.

3— مدتی پس از روند پیوسته نیرومند شوندگی ساختار خلقت، خلقت روند پیوسته سست شوندگی را در پیش می گیرد:

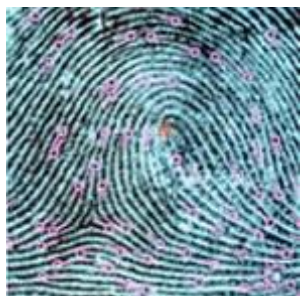
از ۴۰ سالگی به بعد میزان خراب شدن بافتهای استخوانی در هر سال یک درصد بیشتر از میزان تولید آنهاست. به این ترتیب چنانکه آیه می گوید: مدتی پس از نیرومند شوندگی (که تا ۳۰ سالگی بود)، انسان پیوسته روند سست شوندگی را در پیش می گیرد (که از ۴۰ سالگی است. ضعیف شدن بافتهای استخوانی تا جائی می رود که سوراخهای ریز در آنها ایجاد می شود، طوریکه حتی یک بار سَبْک نیز می تواند منجر به شکستگی آنها بشود. امکان شکستگی استخوان در مردان نصف زنان است، چون مردان از ابتدا بافت استخوانی بیشتری دارند.



آیا انسان می پندارد که ما هرگز استخوانهای او را جمع نخواهیم کرد؟ چرا! ما حتی می توانیم سرانگشتان او را نیز دوباره درست کنیم!»

واژه بنان در اصل به معنی: "تکیه گاه و چیزیکه بنوعی و بنحوی به آن تکیه می شود" است. در معنی دوم خود از جمله به: قسمت داخلی سر انگشتان، یعنی همان قسمتی که در تصویر می بینیم اطلاق شده، به اعتبار اینکه "انسان در کارها و نشست و برخاست های خود به آنها تکیه می کند.

نکته آیه: سرانگشتان وضعیت خاصی دارند:



سر انگشتان هر فردی رسم و نمودار کاملاً منحصر بفرد خود دارد. حتی دو نفر دو قلو را نمی توان یافت که نمودار سرانگشتان آنها نظیر هم باشد (دوقلوهای موسوم به "دوقلوهای همسان" که از یک تخم درست می شوند نیز نمودار سرانگشتان آنها دقیقاً یکی نیست ولی تمیز دادن آنها دقت و بررسی زیادی می خواهد). نمودار سرانگشتان از تولد تا وفات ثابت می ماند، و به هر چیزی دستزده شود اثر خود را بجا می گذارد، و قطر خطهای آن در مردان از زنان بزرگتر است.

اینکه قرآن "دوباره سازی سرانگشتان" را مطرح می کند به این معنی نیست که آفرینش سرانگشتان سخت تر و پیچیده تر از اندامهای دیگر است، بلکه به این معنی است که سرانگشتان چیز خاصی دارند و در آینده کشف میشود و آیه روشن می کند که قرآن سخن خداوند است. انسان در قرن نوزدهم به وضعیت سرانگشتان پی برد

تحقیق و جمع آوری: آقایان شاهین سرگزی و محسن جاهدی





این هیأت که سال تاسیس آن به ۱۳۳۸ هجری شمسی بر می گردد . قدیمی ترین و بزرگترین تشکل مذهبی در شهر دلند که پایگاه اصلی آن مسجد جامع می باشد. موسس این هیأت آقای مرحوم حاج سید رضا حسینی و به مداحی مرحوم غلام حسین برزمینی بوده اند و بزرگان زیادی از قبیل حاج میرزا حسینی و حاج میر مهدی حسینی و علی برزمینی (زرین گلی) واکبر بیانی نیز در همان زمان از آن ها حمایت کرده اند .

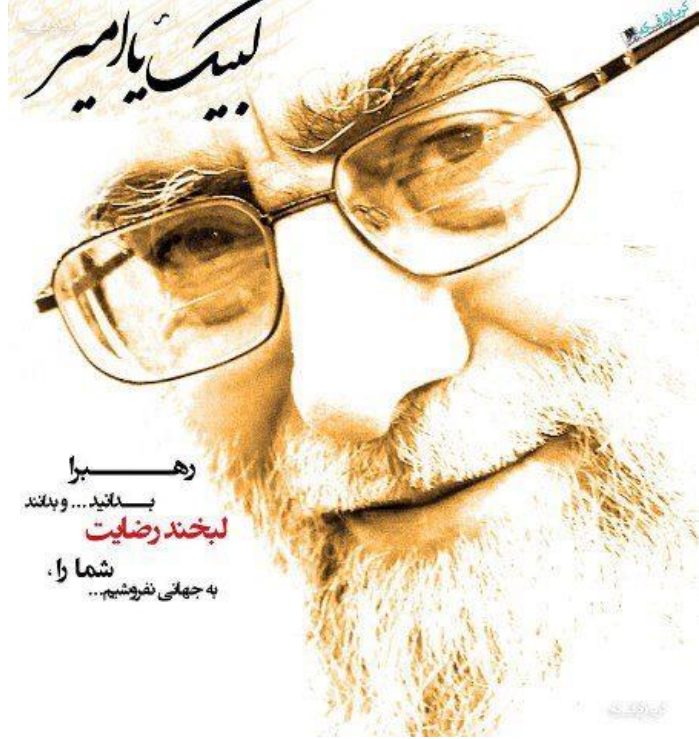
این هیأت که هیأت عزادارن سید وسالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و هفتاد و دو تن از یاران با وفایش می باشد ، هر ساله در بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام گرد هم جمع شده و به عزاداری می پردازند . این هیأت همچنین در کلیه مراسمات مذهبی اعم از ولادت و شهادت و مراسمات ملی برنامه دارد. اعضای ثابت این هیأت بالغ بر دویست نفر بوده که همیشه کمک یار و همراه بوده اند.

در سال ۱۳۵۲ مسئولیت خدمت گذاری این هیأت بر عهده آقای حاج سید رمضان حسینی واگذار شد که جای تقدیر و تشکر دارد که با وجود تمام مشکلات و سختی ها تا این زمان پرچم این هیئت حسینی را بر افراشته وهم اکنون داری تجهیزات کامل پذیرایی ولوازم صوتی بوده و تنها آرزوی مسئولین هیئت داشتن دفتری ثابت و مخصوص در شهر و محل اقامتی در مشهد مقدس می باشد.

تحقیق و جمع آوری : یاسر چوری

مقاله عبرت های عاشورا

برگرفته از خطبه ی
تاریخی نماز جمعه
مقام معظم رهبری



إنّ الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاء

وقایع صدر اسلام برای رهروان راه حق ، یک خزانه ی تمام نشدنی از معارف ، درسها و عبرت هاست . قرآن کریم ما را به عبرت گرفتن از تاریخ دعوت می کند . چنانچه در آیه ی ۱۱۱ سوره یوسف می فرماید ؛
لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ / در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود! ...

حادثه ی عاشورا از دو جهت قابل تأمل و تدبّر است ؛

۱ - درسها مانند بصیرت ، فداکاری ، ...

۲ - عبرت ها

عاشورا به ما درس می دهد که در ماجرای دفاع از دین ، از همه چیز بیشتر برای انسان بصیرت لازم است . اولین عبرتی که در قضیه ی عاشورا ما را به خود متوجه می کند اینست که ببینیم چرا جامعه ی اسلامی پنجاه سال پس از پیامبر صل الله علیه و آله به جایی رسیده که امام حسین علیه السلام ناچار شد برای نجات آن فداکاری کند .

از دیدگاه قرآن کریم دور شدن جامعه از ذکر خدای متعال (نماز) و پرداختن به دنیا و شهوات (دنیا طلبی) دو عامل اصلی انحراف جامعه اند .

قرآن کریم در این باره می فرماید :

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا (59) مریم

اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند و بزودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید!

به شهادت رسیدن فرزند رسول خدا صل الله علیه و آله حاصل انزوای ارزشها و معیارهای الهی همچون زهد ،

معنای عبرت گیری از عاشورا :

عبرت گیری از عاشورا اینست که نگذاریم روح انقلاب در جامعه منزوی و فرزند انقلاب گوشه گیر شود .

رواج دنیا طلبی و فساد از عوامل اصلی حادثه ی کربلا :

رواج دنیا طلبی ، فساد و فحشاء از عوامل پدید آورنده ی حادثه ی عاشورا بود همین عوامل هستند که غیرت دینی را از بین می برند و چهره ی جامعه ی اسلامی را عوض می کند . به عنوان نمونه مدینه النبی ، به مرکز بهترین موسیقی دانان و آوازه خوانان و معروفترین رقاصان تبدیل شد .

ضرورت تقوا و پرهیز از فساد برای حفظ انقلاب اسلامی

امروزه باید مواظب موج فساد بود ، زیرا شیرینی دنیا چیز خطرناکی است و دل‌های سخت و انسانهای قوی را می لرزاند . جهاد اکبر ؛ ایستادگی در مقابل سیل گنداب فساد ، با تمسک به دین ، تقوا و معنویت است .

امام حسین علیه السلام مظهر مجاهدت خالصانه است . با یاری مردم ، مجاهدت اولیاء به حکومت



اسلامی می انجامد و با کوتاهی مردم ، مانند واقعه ی عاشورا اتفاق می افتد . همانگونه که امروزه در کشورهای اسلامی مثل مصر و عراق و ... با حضور مردم در صحنه های مقاومت ، واقعه ی عاشورا تکرار می شود مردمانی که در واقعه ی کربلا در مقابل امام حسین علیه السلام ایستاده بودند ؛ یقین داشتند که امام و راه او حق است اما در عین حال آنرا انکار می کردند . چنانچه مصداق آیه ی قرآن مجید که می فرماید :
وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلوًّا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (14) نمل
و آنرا از روی ظلم و سرکشی انکار کردند ؛ در حالیکه دردل به آن یقین داشتند .

برخی از نشانه های غربت قیام عاشورا عبارتند از :



۱ - انصراف برخی از همراهان از ادامه ی راه

۲ - غفلت دوستداران امام حسین علیه السلام در سراسر جهان

۳ - انصراف بسیاری از کسانی که دعوتنامه برای امام علیه السلام فرستاده بودند

۴ - ارتکاب لغزشها و سست شدن ایمان

۵ - امتیاز دهی به صحابه جهت بهره مندی مالی بیشتر از بیت المال

خدای متعال وعده داده است که اگر کسی او را نصرت کند، او هم نصرتش خواهد کرد چنانچه می فرماید : «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (40) حج

تحقیق و جمع آوری
از جواد برزمینی

عوامل سلامت

۱. رعایت شرایط تغذیه

تحقیق و جمع آوری: مهدی جاهدی
برگرفته از کتاب مفاتیح الحیاة آیت الله جوادی

امام علی علیه السلام می فرمایند: هر کس غذای پاکیزه بخورد و به خوبی آن را بجود و پیش از سیر شدن از غذا دست بکشد و به موقع تخلی خودداری نکند جز به مرض مرگ بیمار نگردد.

امیر مومنان امام علی علیه السلام می فرمایند: می خواهی چهار خصلت به تو بیاموزم تا از زحمت درمان بی نیاز گردی؟ عرض کرد آری؛ فرمود: بر سر سفره منشین مگر آن گاه که گرسنه ای و از کنار سفره بر مخیز مگر وقتی که هنوز اشتها داری و جویدن غذا را به نیکی انجام ده و پیش از خوابیدن به دسشویی برو. هر گاه اینها را رعایت کردی از درمان بی نیاز می شوی

رسول خدا (صلی الله علیه و اله) می فرمایند: معده حوض بدن است و رگها به آن پیوسته اند پس هر گاه معده سالم باشد رگها سلامتی صادر میکنند و هر گاه معده بیمار باشد رگها بیماری صادر میکنند.

۲. سفر

رسول خدا (صلی الله علیه و اله) می فرمایند: مسافرت کنید تا تندرست باشید.

امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند: به حج عمره بروید تا صحت بدن یابید.

۳. شب زنده داری

امام علی علیه السلام می فرمایند: شب زنده داری مایه سلامتی بدن است

۴. سکوت

امام علی علیه اسلام می فرمایند: سکوت مایه راحتی و آسایش است.

رسول خدا صلی الله علیه واله می فرمایند:

ای علی، نه چیز باعث فراموشی است: خوردن سیب ترش، گشنیز، پنیر، نیم خورده موش، خواندن نوشته قبرها، راه رفتن میان دو زن، زنده انداختن جانور از بدن، حجامت در فرو رفتگی پشت گردن و ادرار کردن در آب راکد.

همچنین می فرمایند: پنج چیز پیسی می آورد: استعمال نوره در روز جمعه و چهارشنبه، وضو و غسل با آبی که با تابش مستقیم خورشید گرم شده باشد، خوردن در حال جنابت، آمیزش با همسر در دوران حیض و غذا خوردن پس از سیری در حدیثی دیگر فرمودند: آب را هنگام نوشیدن بمکید، جرعه جرعه بنوشید و یکباره سرنکشید. زیرا باعث ناراحتی کبد میشود

مادی

عوامل بیماری

غیرمادی

عوامل غیر مادی: به فرموده امام رضا هر گاه مردم گناه تازه ای مرتکب شوند که در گذشته انجام نمی دادند، خداوند آنان را به رفتاری و بیماری تازه و بی سابقه مبتلا کند



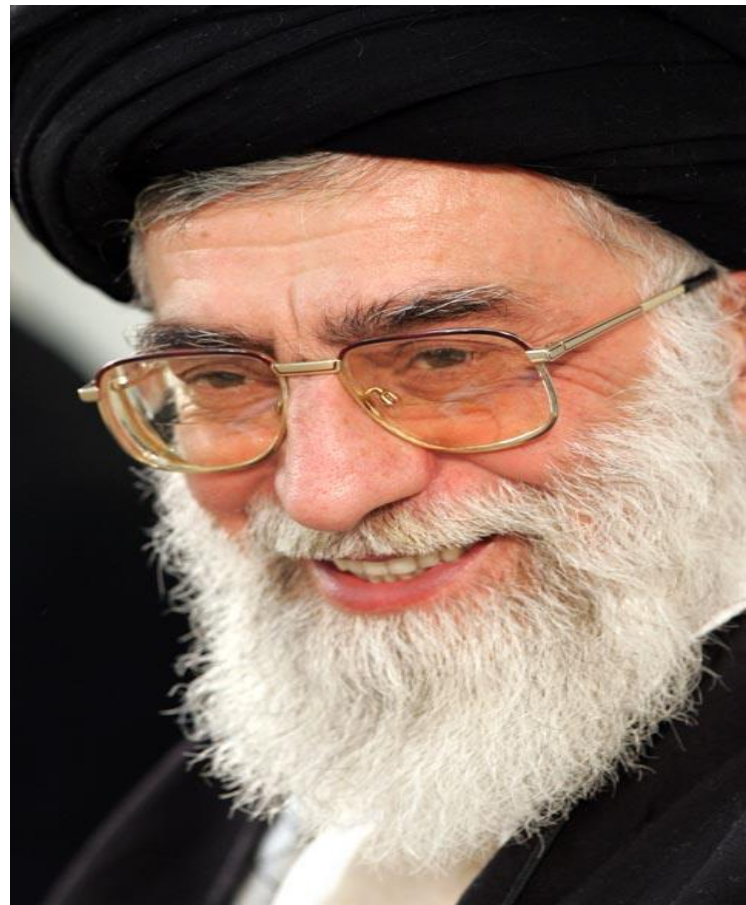
امام

دل من مثل قناری دل تو یه آسمونه
 دل من اسیر زندون واسه چشم تو میخونه
 توی این عالم مستی هرکسی یه جوری گیره
 دل من مثل کبوتر توی دام تو اسیره
 یه کبوتر که نمی خواد از تو چنگ تو ره اشه
 افتخار دل همینه اسم تو ذکر لباشه
 آرزوم همیشه اینه دور پرچمت بچرخم
 مثل پروانه میمونه دور شمع تو بگردم
 یه روزی دنبال عشقت می رم و بر نمی گردم
 غیر کعبه ی وجودت دور هیچکس نمی گردم
 اگه من جهنمی ام هیچکسی رو بنده نیستم
 می خوام اینو خوب بدونی بدون تو زنده نیستم
 اگه من غرق گناهم اگه من غلام سیاهم
 من از اون گنبد طلایی دخیل یه نیم نگاهم
 اگه من تنهای تنهام هیچکی جز تو ندارم
 می خوام اینو خوب بدونی بدون تو یاری ندارم

یه روز میبینی منو دست روسرم می ذاری
 یه چیزی میگی و من میگم ۸۰ میلیون فدایی داری

دوست دارم آخه چون آقامی
 دوست دارم آخه چون مولامی
 دوست دارم آخه تو قلبه منی
 دوست دارم آخه عشقه منی
 یه روز تو روزگاری شدم عاشق تو
 گذشتم از دنیا و شدم عاشقه تو

شاعر: مهدی دهقان



هسته فرهنگی جوان دلند

یکی از کارها و برنامه هایی که در تابستان امسال و در ماه مبارک رمضان انجام شد ، هسته ی فرهنگی جوان بود که به موضوعات و مسائل مورد نیاز جوانها می پرداخت و بصورت گفتمان و پرسش و پاسخ بود. در شهر دلند نیز این هسته ی فرهنگی جوان برگزار شد و بنده (عابدی) به عنوان روحانی مبلغ در ایّام تابستان ، این جلسات را در موسسه ی دارالثقلین برگزار کردم جوانان خوبی در این جلسات شرکت کردند که تقریبا جمعیت جوان ما ۳۰ نفر بود که میانگین شرکت کننده ها در هر جلسه ۲۰ نفر بود . ما با این جوانان دو نوبت برنامه ی اردو (جنگل) گذاشتیم - که چند تا از عکس های آن را برای شما می گذارم - و برنامه سالن فوتبال نیز هفته ای یک جلسه داشتیم.



علاوه بر این جلسات در شهر دلند ، جلساتی هم در شهر رامیان داشتم که هفته ای دو جلسه هم در آنجا برنامه ی هسته ی فرهنگی جوانان با خانم ها داشتم . به علت درخواست خانمها در رامیان ، بنا شد که این جلسات انشاء الله ماهی یکدفعه برای آنها برگزار شود و ادامه داشته باشد .

بیشتر مباحث مطرح شده در این جلسات حول محور مباحث مورد نیاز و کاربردی جوانان مثل بحث موسیقی ، ولایت فقیه ، هدف از خلقت و ... بود . به عنوان نمونه یکی از مباحثی که در این جلسات مطرح شده ، بحث موسیقی بوده ، خلاصه ی آن را برای شما می آورم :

۱. انسانها را خدا آفریده ، پس او می داند که چه چیزی به نفع ما است و چه چیزی به ضرر ما.
۲. خداوند متعال که ما را آفریده به تمام ابعاد وجودی ما و روح و جسم ما آگاه است و از پیچیدگی های انسان از همه کس آگاهتر است. پس هر آنچه که در سعادت و خوشبختی من دخیل است را می داند و به آن دستور داده.
۳. اگر مخترعی یک اختراعی را کند ، دفترچه ی راهنما را از آن مخترع می خواهیم نه شخص دیگر. خداوند هم از طریق قرآن و روایات و پیامبر و امام ، خصوصیات و ویژگیهای اختراع خودش را فرموده ، و آنچه‌هایی که نفع و ضرر اوست را بیان کرده. مسلماً اگر شخصی اختراعی کند ، خود سازنده ی آن بهتر می داند که مثلاً این ماشینی که ساخته هست چه چیزی آنرا به حرکت در می آورد؟ سوختش چیست ؟ خوبیهایش چیست ؟ واز آنطرف نقایص و معایبش چیست ؟ خداوند متعال می داند که نقطه ضعف های ما چیست و چه چیزهایی ما را از او دور می کند و به درّه ی هلاکت و نابودی می کشاند لذا باید به دستورات دین تن داد
۴. اگر خداوند متعال می فرماید چیزی حرام است و سراغ آن نروید ، قطعاً بدانیم که برای جسم و روح ما ضرر دارد، برای دین و دنیای ما ضرر دارد و ضررش هم به حدی هست که خداوند آنرا حرام کرده و برای ترک آن دستور ، عذاب و عقاب مشخص کرده است. چون اگر ضررش کم بود آنرا مکروه می کرد نه حرام. و این به نفع خود ما هست نه به نفع خدا. خدا که بی نیاز هست و احتیاجی به عبادت و بندگی ما ندارد بلکه این ما هستیم که احتیاج به او داریم
- ۵ - هدف بسیاری از احکام و حرام کردن خیلی از چیزها اینست که علاقه های دنیایی من کم شود و توجهات من به خدا بیشتر شود نه به دنیا . چون خدا یک منبع نورانی و پاک هست که همه ی زیبایی ها و لذتهای حقیقی در آنجاست و خداوند بخاطر خود ما اینچنین فرموده.
- ۶ - موسیقی یکی از مواردی است که علاقه های مادی و دنیایی و شهوات ما را تحریک می کند و ما را به دنیا علاقه مند متمایل می کند و از خدا دور می کند. و خدا اینرا نمی خواهد.
- ۷ - اگر تمام انسانها هم نافرمانی خدا را کنند ، هیچ نقص و ضرر و کمبودی به خدا نمی رسد . پس خداوند متعال بخاطر خود ماست که چیزی را به ما حرام کرده یا واجب کرده ، چون از تمام ابعاد وجودی ما آگاه است و نقاط ضعف و قوت ما را می شناسد.

پس بیاییم به خدا اعتماد کنیم و دستمان را در دست خدا و راهنمایان دینش بگذاریم تا به منزلگاه مقصود برسیم.



ما باید بدانیم که هر کاری را که در دنیا پیش می گیریم ، با انجام آن کار چه چیزهایی عائدمان می شود یعنی چه منافع و فوایدی برای ما دارد و از آنطرف چه مضراتی برای ما دارد.

عده ای می گویند در اثر گوش دادن موسیقی یکسری فوایدی به ما می رسد ، شادی ، آرامش ، پر کردن وقت ، رفتن در رؤیا و خیالات ، بازدهی بیشتر و... ؟

شبهه

۱ - مواردی که به اسم فائده ذکر می کنیم ، آیا واقعا فائده بوده اند یا اینکه ما فکر می کنیم فائده هستند اما حقیقتا ضرر می باشد. مثل اینکه بطور غیر عادی سرعت گردش خون در بدن بیشتر شود و رفتار بدن تغییر پیدا کند و بازدهی بدن بیشتر شود ، آیا اینکه این حیوان بواسطه ی گوش دادن موسیقی سیستم طبیعی بدنش عوض شود و در اثر تغییر سیستم بدنش شیرش بیشتر شود ، آیا برای او مفید بوده یا مضر بوده ؟!

۲ - ملاک نفع و فائده از دید و نگاه ما چیست ؟ آیا آنچیزیکه ما را به دنیا نزدیک و از خدا دور کند فائده هست یا آنچیزیکه ما را به خدا نزدیک و از دنیا دور کند ؟!

۳ - این فوآئدی که می گوییم دنیایی و مادی و زودگذر هست یا فوآئدی ماندنی ؟!

۴ - آیا انسان فقط جسم دارد یا اینکه روح نیز دارد ؟! اگر ما فقط به جسم رسیدگی کردیم و نیازهای او را برآورده کردیم و به جسممان فائده رساندیم ، پس روح ما چه می شود ؟!

۵ - بر فرض که با گوش دادن موسیقی یک فائده ای به من رسیده باشد ، اما باید دقیق شویم که آیا فقط فائده ای به ما رسیده یا اینکه در مقابل رسیدن به این فائده و بدست آوردن این فائده ، چه چیزی از من گرفته می شود یا چه ضرری به من می رسد ، ما انسانها دنیا را فقط به اندازه ی درک و فهم خودمان می بینیم لذا چون روحمان کوچک هست ، همه چیز را کوچک می بینیم ، هیچوقت بزرگ نشدیم تا دنیا را از بالا ببینیم . مثل فردی که به یک خانه یا ماشین از پایین نگاه می کند و بار دیگر از بالای ساختمان ۵ طبقه نگاه می کند و بار دیگر از بالای کوه و بار دیگر از داخل هواپیما و بار دیگر از بالای کره ی زمین اینطور نشود که مانند یک بچه ی کوچک که به او شکلاتی بدهند و در مقابل کلید یک ساختمان را از او بگیرند ، بلکه بچه احساس رضایت می کند و فکر می کند که خیلی به او فائده رسیده ، اما فکر او بچه گانه هست و نمی داند که چه چیزی را از دست داده

انسان غیر از جسم خودش ، روح نیز دارد و این روح نیازهایی دارد و بعضی از اعمال و رفتارهای ما برای روح مفید هست و روح را بزرگ می کند و بعضی دیگر برعکس . و آنچیزیکه برای انسان می ماند روح انسان هست که در دو عالم هست ولی این جسم هر چقدر هم که به آن رسیدگی شود و به آن خوش بگذرد باید یک روزی زیر خاک برود و بپوسد و از بین برود . غذای روح باعث می شود که روح به خدا نزدیک شود و با نزدیک شدن به منبع نورانی و زیبایی و کمال ، لذت بیشتری ببرد .

موسیقی از جمله مواردی هست که اگر هم فائده ای داشته باشد ، برای روح ما ضرر دارد و به روح آسیب می زند و روح را از آن منبع نورانی و کمال که خداوند متعال هست دور می کند .

اگر من فقط بعد حیوانی داشتم و حیوان بودم و فقط جسم داشتم نه روح ، بلکه موسیقی شیر من را زیاد می کرد یا تحرک من را زیاد می کرد که بدنم مجبور شود به فعالیت زیاد و در نتیجه بدنم ورزیده تر شود . اما آیا فقط همین هست که من جسم دارم و فقط هدف رسیدگی به بدن هست که به هر قیمتی باید فعالیت این بدن بیشتر شود و ورزش کند حتی اگر به روح ضرر و آسیب برسد .

بله اگر من فقط گاو بودم که کمال من در این بود که شیرم زیاد شود و به دیگران شیر بدهم ، می گفتیم که موسیقی گوش کن تا شیرت زیاد شود و به کمال برسی . (البته همین مطلب هم باید کارشناسی شود که آیا حقیقت مطلب اینست که بدون اینکه ضرر دیگری به جسم گاو برسد شیرش زیاد شده یا اینکه ضرر دیگری به او رسیده و در اثر بهم ریختن سیستم بدن او این نتیجه حاصل شده ؟!)

۶ - بر فرض که موسیقی به من آرامش دهد و یک فائده ای حتی برای روح و جسم من داشته باشد ، آیا این روش و این راه رسیدن به خوشی و آرامش و لذت مورد تایید خداوند متعال هست ؟!



در مورد موسیقی باید گفت ، حق مطلب اینست که با گوش دادن موسیقی ، هیچ نفع و فائده ای به ما نمی رسد لذا در هیچ جای دین اسلام (هیچ آیه یا روایتی) نداریم که سفارش یا تاکید به گوش دادن موسیقی کرده باشد و این نشان می دهد که در رسیدن من به کمال یا رسیدن به خدا اصلا نقشی ندارد چون خداوند متعال با مهربانی ای که برای بندگانش و هدایت آنها دارد ، هر چیزیکه در هدایت آنها دخالت داشته را در دین اسلام که کاملترین دین هست قرار داده.

پس موسیقی نه تنها من را به خدا نزدیک نمی کند و نفع و فائده ای برای دنیا یا آخرت ندارد بلکه ضرر هم دارد و من را از خدا دور می کند. چون نه تنها گفته نشده که مستحب یا واجب هست بلکه گفته شده که حرام است.

ممکن است کسی بگوید وقتی من موسیقی گوش می کنم ، شهوت و غفلت در آن نیست و ذکر هم نیست ، اما وقت گذرانی در آن هست ؟ جواب اینست که آیا ما حق داریم که وقتمان را در هر چیزی بگذرانیم ، درقیامت از وقتمان سوال می شود و می پرسند (من ساوا یوماه فهو مذموم) ، یکی از سوالات آن روز این است که عمرت را و جوانی ات را در چه راهی مصرف کردی؟

خداوند که این نعمت گوش را که به ما داده ، برای این گوش دریافت هایی را هم قرار داده ، پس در عالم خارج یک اتفاقاتی می افتد که گوش باید درک کند و این واردات گوش مبتلاءات ما هست که بعضی از آنها حرام و بعض دیگر حلال هست. آهنگ ها و نغمه های مستحب داریم مثل صوت زیبای قرآن ..

شما در هیچ جای دین پیدا نمی کنید که گفته باشد این نوع موسیقی مستحب است یا واجب است اگر موسیقی ابزاری باشد برای ذکر ، حکم به اباحه می کنیم (یعنی گوش دادن و گوش ندادنش مساوی هست) نه اینکه تو را به خدا نزدیک کند ، و اینکه تو فکر می کنی به خدا نزدیک شدی ، خیال تو هست نه واقعیت خارجی

و اگر موسیقی ابزار غفلت یا توسعه ی شهوت باشد ، بحث حرام یا غیر مجاز مطرح می شود

شبهه : ممکن است کسی بگوید که موسیقی به من آرامش می دهد

این مطلب صحت ندارد ، چون خود خدا که ما را خلق کرده بهتر از هر کسی می داند که چه چیزی به من آرامش می دهد . لذا فرموده آنچه یزیکه به شما آرامش می دهد ، یاد من است. { أَلَا بَدْرُ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ } آگاه باشید که با یاد خدا دلها آرام می شود .

این را همه ی ما تجربه کردیم که آرامش واقعی را آن لحظه ای که با خدا ارتباط برقرار می کنیم ، نماز و دعا و قرآن می خوانیم بدست می آوریم یا آن زمان که با دنیا هستیم !؟

در واقع شخص موسیقی گوش دهنده ، دلش آرام نشده بلکه او با خیال خودش لذت می برد یعنی با گوش دادن این موسیقی ، خودش را در یک فضا و تخیلی قرار داده و از خیال خودش لذت می برد .

این بحث در جلسات ادامه داشته و ما در شماره های بعدی نشریه ادامه میدهم

خروجی کلاس های قرآن تابستان به این شرح می باشد :

- ۱ - تربیت بیش از ۱۰ نفر حافظ یک جزء قرآن در گروه سنی بزرگسال در ایام تعطیل تابستان
- ۲ - تربیت بیش از ۱۰ نفر حافظ حدود نیم جزء در گروه سنی نوجوان ۱۱ تا ۱۴ سال
- ۳ - تربیت بیش از ۴۰ نفر حافظ ۱۵ سوره از جزء سی ام قرآن کریم در گروه سنی ۷ تا ۱۰ سال
- ۴ - تربیت بیش از ۱۰ نفر حافظ خردسال با حفظ حدود ۱۵ آیه ی قرآن بصورت موضوعی
- ۵ - تربیت افراد زیادی در گروه سنی نوجوان و بزرگسال در زمینه ی روخوانی قرآن کریم
- ۶ - یادگیری تجوید نماز و مخارج حروف نماز
- ۷ - یاد گیری قواعد زندگی مشترک برای متأهلان خانم

منتخبین ویژه در کلاس های قرآن

در این کلاس ها دو نوجوان دختر هم بودند که استعداد خوبی در کلاس های قرآن داشتند و ما امیدواریم در آینده از حافظان کل قرآن شوند ، این دخترخانمها به اسم مطهره قزاق جاهدی و مینا قزاق جاهدی توانستند بیش از دو سوم جزء سی ام قرآن کریم را حفظ کنند و در هر جلسه به راحتی نصف صفحه از قرآن را حفظ می کردند ، البته در منزل هم تلاش های زیادی می کردند و برای حفظ و نگه داری قرآن وقت می گذاشتند و از جمله مشوقین آنها که برای آنها وقت زیادی می گذاشته و می گذارد ، مادر بزرگ این دو دختر می باشد که برای همه ی آنها آرزوی موفقیت داریم .

نفرات برتر کلاس ها که از دادن شهریه در سه ماهه ی پاییز معاف هستند

کلاس رتبه	۱۰-۷ سال خواهران	۱۰-۷ سال برادران	۱۴-۱۱ سال خواهران	۱۴-۱۱ سال برادران	بزرگسال خواهران
نفر اول	مبینا برزمینی امتیاز : ۲۷۵	مهدی وطنی امتیاز : ۲۴۹	زهرا محمدی امتیاز : ۳۲۱	محمد امین سرگزی امتیاز : ۴۰۵	فاطمه سمیعی امتیاز : ۲۷۳
نفر دوم	مائده حسینی امتیاز : ۲۵۵	صادق نوروز بهارى امتیاز : ۲۲۷	مرضیه سادات حسینی امتیاز : ۲۵۶	علی اکبر اخلی امتیاز : ۳۲۳	معصومه ورزایی امتیاز : ۲۶۰
نفر سوم	مریم سادات حسینی امتیاز : ۲۲۶	محمد امین قزاق امتیاز : ۱۹۲	فاطمه چورلی امتیاز : ۱۸۰	علیرضا برزمینی امتیاز : ۲۸۱	زینب جاهدی امتیاز : ۲۲۹

هیأت سادات باسابقه ترین
هیأت شهر دلد

تربیت استاد قرآن در کلاس های تابستانی دلد



- کلاس های قرآن به همراه
بازی و نشاط برای بچه ها بود .
- به امید خدا در آینده شهر
دلد حافظان کل قرآن خواهد
داشت

